

تحقیقاتی بعمل آورد هندرسن همچنین بسران قشقائی اطمینان داد که در صورت وقوع کودتای کمونیستی در تهران آمریکا از کمک مستقیم نظامی به آنها خودداری نخواهد کرد.

بختیاری‌ها در مقابل قشقائی‌ها

در برابر ایل قشقائی که بواسطه سابقه خصومت با خانواده سلطنتی و مخالفت با ارتش در جبهه مخالف دربار قرار دارد، عشایر بختیاری جداً پشتیبان شاه و مقام سلطنت مشروطه هستند. ایل بختیاری که دومین ایل مقتدر ایران است به تنهایی نمی‌تواند در مقابل قشقائیها استقامت کند، ولی عشایر مستقل و کوچک دیگری هستند که در صورت تجاوز قشقائیها از بختیاریها حمایت خواهند کرد.

بختیاریها هم تا چند سال قبل با دربار میانه خوبی نداشتند و آثار رفتار خشونت‌آمیز رضاشاه با سران این ایل هنوز از میان نرفته بود. ولی ازدواج شاه با یکی از دختران این قبیله کدورت‌های سابق را از میان برد و پس از آنکه علیاحضرت ثریا اسفندیاری ملکه ایران شد، ایل بختیاری بصورت صدیق‌ترین پشتیبان شاه و مقام سلطنت مشروطه ایران درآمد.

با استناد به همین صمیمیت و ارتباط نزدیک بین دربار و بختیاریها بود که دکتر مصدق طغیان اخیر طرفداران ابوالقاسم خان بختیاری را به تحریکات دربار ارتباط داد و بعضی از مقامات درباری را باخلال در کار دولت متهم نمود و اختلاف اخیر بین دربار و دولت هم در واقع از همین جا شروع شد.

ابوالقاسم خان بختیار یکی از سران جسور و ماجراجوی ایل بختیاری است که ثروت و قدرت زیادی ندارد ولی بتهور و شجاعت مشهور است. وی تحصیلات خود را در اصفهان و تهران و لندن بپایان رسانده و با درجه عالی از دانشگاه کمبریج انگلستان فارغ‌التحصیل شده است. ابوالقاسم خان طی چند سال اخیر بمقامات مهم دولتی منصوب شد، ولی چون همیشه از کار خود ناراضی بود در این اواخر فکر ایجاد شورشی در خوزستان بسرش زد و هدف او از این شورش تشکیل یک اتحادیه عشایری در جنوب و

یا شاید تأمین استقلال داخلی خوزستان بود.

ابوالقاسم بختیار شورش خود را با پانصد نفر افراد مسلح شروع کرد، ولی قوای نظامی با افراد او مصاف دادند و شورش بنتیجه مطلوب منتهی نگردید. ابوالقاسم خان متواری شد، ولی افراد او هنوز بجنگ علیه قوای دولتی ادامه می‌دهند و خود ابوالقاسم بختیار هم در یک محل مخفی جریان مبارزه را هدایت می‌کند.



مصرفاتی خان سردار پیادر (وسط) با سواران پنهانی
(منظره، سراز فتح تهران)

علیاحضرت ملکه نریا - مطبوعات خارجی مینویسند: نسبت علیاحضرت با قبائل بختیاری، بختیاری‌ها را در صفت صمیمی ترین طرفداران مقام سلطنت درآورده است.

شورش ابوالقاسم بختیار و افراد مسلح او که تعداد محدودی بیش نیستند بتنهائی دارای اهمیت زیادی نیست، ولی این شورش از نظر عواقب مهمی که ممکن است در بر داشته باشد مورد توجه کلیه محافل سیاسی قرار گرفته است. شورش ابوالقاسم بختیار بمنزله اخطار صریحی بدولت است و چنانچه مجله (آخر ساعه) مصر در یکی از شماره‌های اخیر خود اطلاع دده سران بختیاری گفته‌اند در صورت ادامه بحران فعلی و تصمیم شاه بمسافرت قطعی از ایران دست بقیام خواهند زد و حتی ممکن است سواران بختیاری بمنظور حمایت از شاه و مقام سلطنت بتهران سرازیر شوند.

دولت در مقابل این عکس العمل احتمالی بختیاری‌ها قصد دارد از قشقائیا استفاده کند و برای اینکه ضرب شستی به بختیاری‌ها نشان داده شود قرار است برای سرکوبی

ابوالقاسم بختیار عواقب خطرناکی در پی خواهد داشت و به احتمال قوی بجنگ عمومی بین افراد دو ایل بزرگ قشقائی و بختیاری منجر خواهد گردید.

قشقائیه‌ها و بختیاریه‌ها از قدیم با هم رقابت داشته‌اند، ولی این رقابت پس از ازدواج شاه با یکی از دختران بختیاری بخصوص متبدل شده است و قشقائیه‌ها دائماً مقررصد فرصتی هستند تا کینه خود را نسبت به بختیاریه‌ها خالی کنند. این فرصت را ممکن است بحرانهای آینده بقشقائیه‌ها بدهد ولی نتیجه آن بروز یک جنگ خانمانسوز داخلی خواهد بود.

اگر قشقائیه‌ها بمخالفت و بختیاریه‌ها به پشتیبانی از دربار با هم دست و پنجه نرم کنند موفقیت حقیقی از آن دسته سومی خواهد بود که مترصد استفاده از هرگونه تشنج و اختلافی است. این دسته سوم کمونیستها هستند که از تضعیف ارتش و عشایر مقتدر داخلی کمال استفاده را به نفع خود می‌کنند و راه را برای موفقیت یک کودتای کمونیستی در آینده صاف می‌سازند. اختلافات دولت و دربار هم بیش از همه بنفع آنها تمام شده است، زیرا در این جریان کمونیستها ابتکار عملیات مخالف دربار را بدست گرفته‌اند.

شاه آزرده و دلگیر شده است...

امید و انتظار محافل ملی و وطن پرستان حقیقی این بود که در این ایام عید راهی برای رفع بحران فعلی پیدا شود و ملت ایران سال نو را با حل اختلافات و در محیط امن و آرامش آغاز کند ولی متأسفانه این آرزو جامه عمل نپوشیده و پس از تعطیلات نوروز هم تشنجات و تحریکات از سر گرفته شده است.

انتشار خبری درباره تقاضای پناهندگی سیاسی اعلیحضرت، شاه به پاکستان پناهنده می‌شود.

انتشار خبری در باره تقاضای پناهندگی سیاسی

اعلیحضرت از پاکستان

Shah Seeks Asylum! Pakistan Refuses

It may now be disclosed, says *Spotlights Karachi* Correspondent, that the Shah of Iran asked for asylum on February 22 through special intermediaries.

Respectfully the Pakistan Government regretted their inability to accede to his request.

It was learned from Foreign Ministry circles that Pakistan realises that the Shah was up against what Pakistan regarded as "a Government which is 100% nationalist and enjoys the confidence of the overwhelming majority of the Iranian people."

IRAN'S CROWN PRINCE COMING TO INDIA

It was officially stated that Prince Ali Reza, brother of the Shah and Crown Prince of Iran, would arrive in India on March 6 for a "shooting holiday." His wife will be with him.

In view, however, of certain developments, it is very likely that an announcement in regard to his visit would be made any moment.

خبر گذاری «اسپات لایتس» کراچی می گوید:

اکنون این احتمال می رود که فاش شود شاه روز ۲۲ فوریه «۱۳۳۲ خ» از طریق رابط هایی ویژه تقاضای پناهندگی سیاسی از پاکستان کرده است. دولت پاکستان از این که نمی تواند بدین تقاضا جامه عمل بپوشاند متأسف است. آنگونه که منابع موثق در

وزارت امور خارجه اظهار می‌دادند، شاه با دولتی در ایران تضاد است که صد رد صد ناسیونالیستی و از حمایت اکثریت مردم هم برخوردار می‌باشد.

شاه و ملکه چند لحظه قبل از حرکت از تهران در فرودگاه مهرآباد

اصل خبر

اصل خبر تحریک آمیز روزنامه (اسیات لایت) هندوستان راجع به تقاضای پناهندگی شاه به پاکستان اسرار ورود و مراجعت ناگهانی والاحضرت اشرف والاحضرت اشرف دوبار از دکتر مصدق تقاضای ملاقات نمود ولی نخست وزیر تقاضای خواهر شاه را رد کرد - دکتر مصدق گفت اگر اشرف تا یک هفته از ایران خارج نشود موضوع را در فرماندم مطرح خواهد کرد.
ملکه ثریا و ماجرای بازگشت والاحضرت اشرف

هفته گذشته موضوع مهمی که در بحبوحه بحران سیاسی فعلی کشور توجه افکار عمومی را بخود جلب نمود ماجرای ورود ناگهانی والاحضرت اشرف پهلوی به تهران و چگونگی خروج ایشان از ایران بود پس از اینکه والاحضرت اشرف بطور غیرمترقب در ناشناس وارد تهران شد و خبر آن جسته و گریخته در پایتخت منتشر گردید مردم از خود می پرسیدند علت این بازگشت ناگهانی آنها بطور ناشناس چیست؟ فردای روز ورود والاحضرت هم یک اعلامیه رسمی از طرف دربار منتشر گردید و صدور این اعلامیه بیشتر بر تعجب و تحیر مردم افزود.

هواپیمای (ارفرانس) که والاحضرت اشرف را با خود به تهران می آورد با دو ساعت تأخیر در حدود ساعت سه بعدازظهر روز شنبه هفته گذشته وارد تهران شد مأمورین

گمرک و بازرسی در فرودگاه و مسافریین هواپیما (باستثنای یکی دو نفر) از مسافرت خواهر شاه ایران با این هواپیما اطلاع نداشتند او بنام خانم شفیق وارد ایران شد و بهمین جهت موقعی که معلوم شد (خانم شفیق) مسافر ساده و بی سروصدای این هواپیما والاحضرت اشرف پهلوی خواهر توأم شاه است مأمورین بازرسی و گمرک در فرودگاه مبهوت و متحیر شده خود را گم کردند.

گذرنامه والاحضرت در خارج کشور ویزا نشده بود و در موقع ورود مشمول جریمه می شد و باید ویزای داخلی شود و بهمین بهانه مأمورین می خواستند مدتی ایشان را معطل کرده از دولت کسب تکلیف کنند ولی والاحضرت اشرف در همین احوال سوار یک اتومبیل کرایه ای شده بطرف شهر حرکت کرد و تنها کاری که مأمورین توانستند بکنند این بود که شماره اتومبیل کرایه والاحضرت را برداشتند.

والاحضرت اشرف با لباس ساده و بدون توالی وارد تهران شد و از طرز حرکاتش کاملاً معلوم بود که نمی خواهد هیچکس او را بشناسد و چون با وجود تمام این احتیاطها ایشان را شناختند حالت تأثر شدیدی به او دست داد و موقعیکه از فرودگاه خارج می شد دائماً اشک چشمانش را با دستمال پاک می کرد. والاحضرت اشرف بقدری در خروج عجله به خرج داد که چمدانهایش هم در گمرک ماند و برای گرفتن آنها غروب روز شنبه مستخدمین درباری مراجعه کردند. تا قبل از ورود اسرارآمیز والاحضرت اشرف به تهران دربار و دولت هیچکدام از این قضیه اطلاع نداشتند، خواهر شاه بمیل و اراده شخصی خود به تهران آمده بود و می خواست بی سر و صدا آمده و برود ولی این موضوع بی سر و صدا نگذشت و در مدت کمتر از یکساعت پس از ورود ایشان هم شاه و هم مصدق از جریان امر مطلع شدند و تلفن های نخست وزیری و وزارت دربار به کار افتاد.

دکتر مصدق از ورود ناگهانی والاحضرت اشرف و مخصوصاً طرز مراجعت اسرارآمیز او به تهران عصبانی شده بود که همانرز با کفیل وزارت دربار تماس گرفته تقاضا کرد فوراً دستور خروج والاحضرت از تهران با یک اعلامیه رسمی از طرف دربار اعلام شود. عصبانیت شاه هم کمتر از دکتر مصدق نبود، زیرا شاه که در اینروزها از کوچکترین اقدامی برای جلوگیری از تشدید بحران خودداری می کند و بهیچوجه حاضر

نیست بهانه تازدای برای تجدید اختلاف دربار و دولت پیش بیاید از ورود بیموقع والاحضرت اشرف آنهم بشکل مخفیانه و اسرارآمیز سخت متأثر و خشمگین گردید.

والاحضرت اشرف پس از ورود به تهران مستقیماً به کاخ والاحضرت شاهپور غلامرضا رفت و از آن جا با دربار تماس گرفت، چند ساعت بعد آقای امینی کفیل وزارت دربار بملاقات ایشان رفت و طی این ملاقات طولانی راجع به علل ورود والاحضرت مذاکرات مفصلی بعمل آمد و کفیل وزارت دربار پس از این ملاقات جریان مذاکرات خود را با اعلیحضرت همایونی اطلاع داد.

از جریان مذاکراتی که بعد از ظهر روز شنبه و صبح یکشنبه هفته گذشته بین شاه و کفیل وزارت دربار - دکتر مصدق و والاحضرت اشرف صورت گرفت هیچکس بطور دقیق و قطعی اطلاع ندارد ولی بطوریکه در محافل نزدیک به دولت و دربار گفته می شود دکتر مصدق گفته بود اگر تا ۲۴ ساعت اعلامیه دربار راجع به دستور اخراج والاحضرت اشرف از تهران صادر نشود و والاحضرت تا یک هفته تهران را ترک نگویند این موضوع را در فرماندم مطرح خواهد کرد و بدیهی است که طرح چنین موضوعی در فرماندم برای شئون دربار و مقام سلطنت شایسته نبود.

اعلامیه دربار راجع به اینکه چون والاحضرت اشرف بدون کسب اجازه از پیشگاه ملوکانه وارد تهران شده و باید هر چه زودتر تهران را ترک گوید، تا ظهر روز یکشنبه گذشته تنظیم و بعد از ظهر همانروز منتشر گردید و اگر این اعلامیه انتشار نیافته بود دکتر مصدق در نطق رادیوئی روز دوشنبه خود به این موضوع اشاره کرده و سوابق والاحضرت اشرف را در مبارزه با دولت بیان می کرد. اما اعلامیه شدیدالحن دربار علیه والاحضرت اشرف دکتر مصدق را راضی کرد و وی را از اقدام بهرگونه عمل دیگری منصرف ساخت. پس از صدور این اعلامیه مقدمات مراجعت فوری والاحضرت اشرف از طرف دربار فراهم گردید.

والاحضرت اشرف پس از پنج روز اقامت در تهران مقارن ساعت شش و نیم بعد از ظهر روز پنجشنبه تهران را بعزم سویس ترک گفت. برای والاحضرت یک جا در هواپیمای اسکاندیناوی که روز پنجشنبه تهران را ترک می گفت تهیه کرده بودند ساعت شش و چند دقیقه بود که اتومبیل شورولت سفید شاهپور غلامرضا درحالیکه خود

والاحضرت آن را میراند وارد فرودگاه شد. از این اتومبیل والاحضرت اشرف و والاحضرت شاهپور غلامرضا و والاحضرت شاهپور حمیدرضا با بانوانشان پیاده شدند. والاحضرت اشرف دامن سیاه و بلوز سفید رنگی بتن داشت و کیف دستی کوچکی به دست داشت، از طرف دربار آقای پیرنیا، مسیوپرون، سرهنگ نصیری فرمانده گارد مستقل شاهنشاهی، سروان جلالی و ده نفر سرباز گارد برای ادای مراسم تشریفات حضور داشتند. از رؤسای فرودگاه کسی در فرودگاه حاضر نبود. والاحضرت اشرف و مشایعین در مقابله آشیانه سلطنتی ابتدا ایستادند و چند دقیقه به مذاکرات معمولی پرداختند مسافریین قبلاً همگی سوار شده و موتور هواپیما کار می‌کرد و آماده حرکت بود.

اعضای خانواده سلطنتی در کنار فرودگاه مهرآباد با جنم والاحضرت اشرف را تا هم تعبیه و وارد هواپیما گردیدند مشایعت کردند و بعضی از آنها گریه می کنند.

در این وقت والاحضرت با یکایک افراد خانواده سلطنتی دست داد و خداحافظی کرد.





این عکس را که سفارت اسپانیا برای مجله ترقی ارسال داشته علیاحضرت ملکه را در یکی از میدانیهای گاوپازی مادرید نشان می دهد. در این لحظه گاوپاز در برابر ملکه تحظیم کرده و ملکه بد احترام او پاسخ می دهد.

ملکه ثریا اوقات خود را در اروپا چگونه می‌گذراند؟

آیا ملکه به دعوت آمریکائیها به برلن می‌رود؟ ملکه ثریا بعنوان معالجه به اروپا رفته ولی تا کنون به طبیعی مراجعه نکرده است.

قریب یکماه از آغاز مسافرت علیاحضرت ملکه ثریا در اروپا می‌گذرد و در این مدت از توجه مطبوعات خارجی بمسافرت ملکه ایران و علل این مسافرت کاسته نشده است هر هفته که روزنامه‌ها و مجلات خارجی با پست جدید به تهران می‌رسد مطالب تازه‌ای راجع به ملکه ایران دارند و عکس‌های متعددی از طرز زندگی ملکه ثریا در اروپا در این روزنامه‌ها دیده می‌شود.

ملکه ثریا از بدو ورود خود به پایتخت ایتالیا در یکی از هتل‌های مجلل خیابان «ونیتو» رم اقامت گزید و یک آپارتمان این مهمانخانه را مخصوص خود و همراهانش اجاره کرد، در این قسمت که به ملکه ایران و همراهانشان اختصاص داده شد رفت و آمد اشخاص شدیداً تحت کنترل قرار گرفت و به تقاضای شخص ملکه چند نفر از مأمورین پلیس ایتالیا برای مراقبت از محل اقامت ایشان تعیین شدند.

خبرنگار روزنامه (المصری) چاپ قاهره که چند هفته قبل برای ملاقات و مصاحبه با ملکه ثریا به رُم اعزام شد، طی گزارشی که هفته قبل به روزنامه خود فرستاده می‌نویسد:

«ملکه ثریا خیلی به ندرت از هتل خارج می‌شود و عده زیادی از عکاسان و خبرنگاران همیشه در سالن مهمانخانه اجتماع کرده و تقاضای گرفتن عکس از ملکه ایران و صحبت با ایشان را دارند. ولی ملکه ثریا با بی‌اعتنائی و عدم توجه فوق‌العاده در برابر دوربین عکاسها قرار می‌گیرد و خیلی به ندرت ممکن است که به پرسشهای روزنامه‌نگاران پاسخ دهد.

علیاحضرت ملکه ثریا جریان مسافرت خود را مرتباً و هفته‌ای دو بار بوسیله نامه به شاه ایران اطلاع می‌دهد و ارتباط تلفنی هم بین رُم و دربار ایران مرتباً برقرار است، ملکه ثریا با کسانی که برای ملاقات او می‌آیند به زبانهای فرانسه و انگلیسی و با اطرافیان خود به زبان فارسی صحبت می‌کند.»

طی چند هفته اقامت در رم، ملکه ثریا فقط دو سه مرتبه در مجامع عمومی دیده شده است و همیشه چند نفر از مأمورین پلیس و آگاهی رُم مأمور مراقبت از ایشان بوده و مانع مزاحمت خبرنگاران جراید و اشخاص کنجکاو شده‌اند معذک خبرنگاران ایتالیائی که در سماجت و سرسختی دست کمی از مخبرین آمریکائی ندارند، از تعقیب ملکه ایران در دست بردار نیستند و چون خود ملکه هیچوقت حاضر نمی‌شود صحبتی بکنند اطرافیان ایشان را وادار به صحبت کرده اطلاعات تازه‌ای کسب می‌کنند.

مردم ایتالیا با علاقه خاصی جریان اوضاع ایران و مسافرت ملکه ثریا را تعقیب می‌کنند و همین توجه و علاقه روزنامه نویسه‌های ایتالیائی را بکسب اطلاعات تازه و انتشار مطالب جدیدی درباره ملکه ایران تشویق می‌کند، نمونه علاقمندی و توجه مردم ایتالیا به ملکه ایران تظاهرات آنها در جریان اسب دوانی اخیر رُم بود، که چون مردم اطلاع یافته بودند ملکه ثریا در این مراسم شرکت می‌کند بطرز بیسابقه‌ای بمحل مسابقه هجوم آوردند و با اینکه باران تندی می‌بارید تعداد تماشاچیان مسابقه بمراتب بیش از دوره‌های قبل بود و همه می‌گفتند که این جمعیت بیشتر برای دیدن ملکه ایران آمده‌اند نه برای تماشای مسابقه اسب دوانی.

اوقات ملکه ثریا در اروپا بیشتر به مطالعه و پذیرائی از ملاقات کنندگان می‌گذرد، صبح که ملکه از خواب برمی‌خیزد پس از ورزش مختصر و صرف صبحانه و توالت به مطالعه کتب ادبی انگلیسی و آلمانی یا فرانسه می‌پردازد و اگر صبح کسی به ملاقات ایشان آمد مشغول پذیرایی از مهمانان خود و صحبت با آنها می‌شود، معمولاً هر روز چند تن از خانمهای سرشناس ایتالیائی و اروپائی به ملاقات ملکه ایران می‌روند و ملکه با آنها به زبان فرانسه یا انگلیسی صحبت می‌کند. ملکه بعد از ظهر پس از کمی استراحت مجدداً یک ساعت مطالعه می‌کند و سپس مشغول نوشتن یا مکالمه تلفنی با تهران می‌شود، شبها هم اغلب به اتفاق همراهان خود به گردش یا سینما و تئاتر می‌رود. برنامه معمولی روزانه ملکه ثریا همین است مگر اینکه یک دعوت فوق‌العاده این برنامه را برهم بزند.

نکته جالب توجه اینست که ملکه ثریا در مدت اقامت در رُم به هیچیک از اطباء ایتالیائی مراجعه نکرده در صورتیکه ملکه بعنوان معالجه به اروپا مسافرت نموده‌اند.

اطرافیان ملکه در این خصوص اظهار داشته‌اند که ملکه ثریا در سوئیس به معالجه خواهند پرداخت. راجع به اینکه ملکه ایران کدام بیماری را می‌خواهد معالجه کند، مطبوعات اروپا نوشته‌اند که معالجه ملکه برای رفع موانع بارداری و وضع حمل ایشان است، ملکه یکسال قبل هم بهمین منظور به اروپا مسافرت نمود ولی معالجه ناتمام ماند. قرار بود ملکه ثریا اوایل هفته گذشته رُم را به قصد سوئیس ترک کند. اقامت ملکه در سوئیس هم چند هفته به طول خواهد انجامید و از آنجا به آلمان یا فرانسه عزیمت خواهند کرد.

مجله آلمانی «دویتش ایلوستریرت» در آخرین شماره خود راجع به مقصد آینده ملکه می‌نویسد که ملکه ایران ممکن است به دعوت آمریکاییها به برلن غربی برود، پدر و مادر ملکه، آقای خلیل اسفندیاری و بانو او اوا هم مایل به این مسافرت هستند، زیرا سالهای اول زندگی زناشویی آنها و دوران طفولیت ملکه ثریا در همین شهر گذشته و چهارده سال است که برلن را ندیده‌اند.

مجله فرانسوی «سمن دومند» نیز عکس ملکه ثریا را روی جلد آخرین شماره خود چاپ کرده و طی مقاله مفصلی تحت عنوان «مسافرت اسرارآمیز ملکه ثریا به اروپا» نوشته است «معلوم نیست ملکه ثریا تا کی در اروپا بماند ولی امر مسلم اینست که تا اوضاع آشفته سیاسی در ایران روشن نشود مراجعت او به ایران بعید بنظر می‌رسد، شاه مایل نبود که ملکه ثریا به تنهایی به اروپا مسافرت کند و حتی می‌خواست در صورت لزوم این مسافرت همراه او باشد، ولی جریاناتی که در ایران پیش آمد مانع از انجام مسافرت شاه شده و ثریا به تنهایی سفر طولانی خود را در اروپا آغاز کرد.

«اکنون شاه تنها در ویلای بیلاقی خود دور از محیط متشنج سیاسی تهران به سر می‌برد و تماشاچی صحنه مبارزات کشور خود شده است، شاه نگران آینده مبهم و نامعلومی است که کشورش در پیش دارد ولی این نگرانی او برای شخص خود نیست، زیرا شاه هر وقت اراده کند می‌تواند با هواپیمای شخصی خود در عرض چند ساعت از ایران خارج شود و زندگی آرام و بی‌سروصدائی در اروپا یا آمریکا ادامه دهد، شاه نگران سرنوشتی است که وطنش بدنبال کشمکش‌ها و بحرانهای خطرناک فعلی در پیش دارد. «ناظرین خارجی در تهران اظهار می‌دارند که شاه حتی حالا هم بی‌میل نیست دست

از این سلطنت بشوید و با گفتن هر چه بادا باد ایران را ترک گوید، ولی از یک طرف علاقه به استقلال ایران و از طرف دیگر تلقین و تشویق اطرافیان او را به صبر و حوصله و ادامه مقاومت تحریک می نماید.

«ملکه ثریا و الاحضرت اشرف پهلوی خواهر توأم شاه ایران تا چندی قبل با هم اختلاف داشتند و کدورت بین آنها در تمام محافل مطلع تهران از بدیهیات شمرده می شد، ولی اکنون حوادث این کدورت را از میان برده است. ملکه ثریا...



ملکه ثریا پهلوی که روز چهارشنبه (هفته گذشته) درست یکسال از تاریخ هروسی شان با الاحضرت هایونی میگذرد.

مسافرت ملکه ثریا به اروپا چگونه در دنیا انعکاس یافت؟

در ژم شایع شده بود شاه ایران هم به اتفاق ملکه وارد پایتخت ایتالیا خواهد شد - در فرودگاه ژم ملکه ثریا از هجوم خبرنگاران متوحش شد - پس از تغییرات اخیر دربار ممکن است شاه هم برای تابستان آینده به اروپا مسافرت کند.

موضوع مسافرت علیاحضرت ملکه ثریا به اروپا که از دو ماه قبل در روزنامه‌ها مورد بحث بود بالاخره هفته گذشته عملی شد و علیاحضرت ملکه ساعت هفت بعدازظهر روز یکشنبه گذشته با یک هواپیمای سوئدی تهران را به قصد ژم پایتخت ایتالیا ترک کردند.

از ساعت پنج بعدازظهر روز یکشنبه بتدریج وزیران، رجال، امرای ارتش و ارباب جرائد در فرودگاه مهرآباد حضور یافتند. مقارن ساعت شش والاحضرت شاهپور غلامرضا، شاهپور علیرضا و شاهپور عبدالرضا، با بانوانشان وارد فرودگاه شدند، رؤساء و اعضای دربار شاهنشاهی هم حضور داشتند که ساعت شش بعدازظهر اعلیحضرت همایونی باتفاق ملکه ثریا با اتومبیل سلطنتی وارد محوطه فرودگاه گردیدند، شاه و ملکه پس از عبور از برابر گارد احترام جلوی صف مشایعت کنندگان قرار گرفتند و علیاحضرت ملکه پس از ابراز تفقد و خداحافظی با همه باتفاق اعلیحضرت بطرف هواپیمای (اس.آ.اس) رفتند.

شاه هم با ملکه ثریا وارد هواپیما شد و پس از چند لحظه توقف در داخل هواپیما و وداع با ملکه از هواپیما خارج شده در جلوی قرارگاه محوطه فرودگاه توقف فرمودند، مقارن ساعت شش و نیم هواپیما تهران را ترک گفت و اعلیحضرت شاه پس از ابراز تفقد نسبت به آقایان وزیران و سایر مشایعت کنندگان به کاخ سلطنتی مراجعت نمودند.

هواپیمای حامل ملکه ثریا و همراهان ایشان پس از یکساعت توقف بین راه صبح روز دوشنبه وارد فرودگاه ژم گردید، در فرودگاه ژم از صبح زود ازدحام عجیبی بود زیرا

علاوه بر مأمورین سفارت ایران در پایتخت ایتالیا و نمایندگان دولت ایتالیا عده زیادی از مخبرین و عکاسان جرائد ایتالیائی و خارجی هم در محوطه فرودگاه اجتماع کرده و انتظار ورود ملکه ایران را داشتند. اصولاً از چند روز قبل از ورود ملکه ثریا به رم، در پایتخت ایتالیا شایع شده بود که خود شاه ایران هم به اتفاق ملکه ثریا وارد رُم خواهد شد و همین شایعه بی اساس موجب ازدحام عجیب آنروز شده بود.

مخبرین جرائد ایتالیا به اتکای همین شایعات می گفتند که پس از تغییرات اخیر در سازمان دربار و استعفای آقای علاء قرار شده است شاه هم بی سر و صدا از ایران خارج شود و ممکن است با هواپیمای ملکه وارد رُم گردد، به همین جهت موقعی که هواپیمای شرکت اسکاندیناوی در فرودگاه به زمین نشست مخبرین و عکاسان جرائد صف مأمورین پلیس را شکافته مثل مور و ملخ بطرف هواپیما حمله بردند. ملکه ثریا از این جریان کمی ناراحت و متوحش شد، ولی وقتی که مخبرین فهمیدند شاه در هواپیما نیست، عکسهای مختلفی از ملکه ثریا گرفته دور شدند. چند نفر از مخبرین جرائد هم دور ملکه را گرفته قصد داشتند با ایشان مصاحبه کنند، ولی ملکه ثریا حتی حاضر نشدند یک کلمه با روزنامه نگاران صحبت کنند و در تمام مدتی که روزنامه نویسها دور ایشان را گرفته بودند ساکت ایستاده و فقط تبسم مختصری بر لب داشتند.

ملکه ثریا پس از چند دقیقه توقف در فرودگاه رُم به اتفاق همراهان خود به یکی از مهمانخانه های درجه اول رُم رفتند، ملکه و همراهانشان بیش از بیست چمدان بار و اثاثیه داشتند که با چند اتومبیل به مهمانخانه حمل شد و فردای آنروز روزنامه های دست چپ ایتالیا نوشتند که این چمدانها مملو از اشیاء گرانبها و جواهرات سلطنتی ایران بوده که به اروپا منتقل شده است.



علیاحصرت ملکه در کنار خانم مادری و والاحصرت شهباز، این عکس در انجمن میل برداشته شده و ملکه بر آن در طرف راست بهرسان دیده میشوند.

اما در مقابل روزنامه‌های کمونیست روزنامه‌های معتبر دیگر ایتالیا جریان ورود علیاحضرت ملکه ثریا را با احترامات خاصی منتشر کرده عکسهای متعددی راجع بجریان ورود ملکه چاپ نمودند.

بموجب مندرجات مطبوعات و اظهارات خبرگزاریهای خارجی ملکه ثریا به اتفاق مادر و سایر همراهانشان در حدود دو هفته در پایتخت ایتالیا خواهند بود و سپس به معالک سوئیس و آلمان و فرانسه یا اسپانیا مسافرت خواهند کرد. در قسمتی از این مسافرت والاحضرت شهناز، دختر اعلیحضرت همایونی هم همراه ایشان خواهند بود.

مسافرت ملکه ثریا به اروپا بخصوص پس از استعفای ناگهانی آقای علاء از وزارت دربار و تغییرات اخیر در دربار انعکاس مهمی در مطبوعات و محافل خارجی داشته است و با اینکه کسالت علیاحضرت ملکه و احتیاج ایشان به معالجه علت اصلی این مسافرت بوده باز اکثر مطبوعات خارجی موضوع «بیماری و معالجه» را دلیل مکفی این مسافرت ندانسته و علت سیاسی دیگری برای آن تراشیده‌اند.

از روزنامه‌های فرانسوی فرانسواسوار) در این خصوص نوشته است که مسافرت ملکه ثریا ممکن است مقدمه مسافرت خود اعلیحضرت شاه به اروپا باشد زیرا بحران سیاسی ایران با انصراف شاه از مسافرت مرتفع نشده و بلکه سماجت و سرسختی دکتر مصدق مشکلات تازه‌ای به بار آورده است. شاه با نفوذ و محبوبیتی که در ارتش و در میان مردم دارد می‌تواند به مبارزه علنی با نخست‌وزیر خود پردازد ولی میل ندارد دست به کاری بزند که نتیجه آن برای مردم ایران خونریزی و جنگ داخلی و قتل نفوس باشد، بهمین جهت شاه در نظر دارد فعلاً روش ملایمی در پیش بگیرد و حتی برای خاتمه دادن به کشمکش فعلی حاضر است مجدداً تصمیم سابق خود را راجع به مسافرت موقتی از ایران عملی کند.

روزنامه مصری (الاکبار) نیز تغییر وزیر دربار و مسافرت ملکه ثریا را دو موفقیت تازه برای دکتر مصدق می‌داند و می‌نویسد وزیر جدید دربار برای نزدیکی شاه و دکتر مصدق و تأمین نظریات نخست‌وزیری، اقدامات مجدانه‌ای مبذول میدارد و بحران فعلی روابط دربار و دولت بزودی تخفیف خواهد یافت. جانشین آقای علاء بیشتر از او به دکتر

مصدق نزدیک است.



هفته گذشته آقای حسین علاء فرمان
اعلیحضرت همایونی بوزارت دربار
منسوب و شروع بکار کردند

جلوگیری کرد و علیاحضرت هفته گذشته
بهخبرین جرائد اطلاع دادند که این هفته
بتهران مراجعت خواهند نمود .

بافتخار ملکه ایران ضیافتها و مهمانیهای
مفصلی ترتیب دادند ولی تمام هوش و
حواس ملکه نریا متوجه ایران و اشتیاق
بازگشت بتهران بود و مهمترین قسمت
برنامه روزانه ملکه را مطالعه
اخبار روزنامهها راجع بایران و استماع
آخرین اخبار رادیو راجع بایران تشکیل
میداد .

فردای روز ورود شاه و ملکه ایران
برم با و اوا اسفندیاری مادر ملکه نریا
هم وارد رم شد و در تمام مدت اقامت
ملکه در پایتخت همراه ایشان بود . مادر
ملکه نریا علاوه بر اینکه در این مدت بهترین
هم صحبت ایشان بود ، مانند سدیدی هم
در مقابل روزنامه نویسها میبایستاد و
نیگذاشت آنها مزاحم ملکه بشوند و در
عوض ملکه ایران بکایه سئوالات خبرنگاران
جراید پاسخ میداد .

ملکه نریا در تمام مدت اقامت خود
در رم ارتباط تلفنی و تلگرافی روزانه
بتهران داشتند و علاوه بر مطالعه اخبار
جرائد و استماع اخبار رادیوها راجع
بوضع ایران مستقیماً هم از اعلیحضرت
همایونی کتب خبر مینمودند .

پزشکان معالج ملکه نریا توصیه
کرده بودند که ملکه مدت بیشتری با استراحت
خود در رم ادامه دهند و حتی برای گردش
بشهرهای بیلاقی «نیس» و کوت دازور
بروند ، ولی اشتیاق ملکه نریا بمراجعت
بتهران از ادامه اقامت ایشان در اروپا



دو عکس از ملکه ثریا



این عکس را که در دولت استانبول، ایران معارف برقی از سال ۱۳۰۳ میلادی
برای دوربینی از ماسانهای گاو-ازی ما رید، شای میبندد. در این نسخه که از
برای ملکه شهنشاه زاده و ملکه پادشاه ایران در ۱۳۰۳ میلادی

... را هم میبندد در آن زمان آلمانی چاپ کرده و در آن نوشته است
چنانچه در آن زمان ایران معروض بود. یوش است ملکه ثریا همسر خود اعظم حضرت پادشاه
ایران معروض کرده است و در آن است و حضرت خروج از آن زمان معروض
و ملکه ثریا معروض میبندد

علیا حضرت ملکه ثریا در ایتالیا

پلیس ایتالیا از فعالیت‌های یک کمونیست مراکشی بنام «احمدادریس» مظنون شد و او را بجرم نقشه سوء قصد علیه جان اعلیحضرت شاه ایران توقیف کردند.

هتل «اکسلسیور» رُم در این روزها مرکز تجمع صدها نفر از اشخاص سرشناس و سیاحان متشخص خارجی است که از اطراف و اکناف ایتالیا و ممالک اروپای غربی خود رابه پایتخت ایتالیا رسانده و به این مهمانخانه هجوم آورده‌اند «اکسلسیور» معروفترین هتل ایتالیا است که در ممالک دیگر اروپائی غربی خود را به پایتخت ایتالیا رسانده و به این مهمانخانه هجوم آورده‌اند «اکسلسیور» معروفترین هتل ایتالیا است که در ممالک دیگر اروپائی هم شهرت دارد، ولی شهرت این مهمانخانه هرگز به اندازه امروز نرسیده و تعداد مشتریان و مسافرینش تا این اندازه بالا نرفته بود.

«اکسلسیور» شهرت و درآمد سرشار امروز خود را مدیون شاه و ملکه ایران است و صاحب این مهمانخانه حق دارد دستهای خود را بهم بمالد و با قهقهه‌های شادی بگوید در چند هفته اخیر از برکت حوادث ایران به اندازه یکسال درآمد داشته‌ام.

شاهنشاه و ملکه ایران بعد از ظهر روز سه‌شنبه ۲۷ مرداد با یک هواپیمای شرکت انگلیسی ماوراء بحار وارد فرودگاه «شامبینو» رُم شدند و با دو سه چمدان اثاثیه و لوازم ضروری خود یکسره به هتل اکسلسیور در خیابان کوندوکی راندند.

ملکه ثریا در سفر چند ماه قبل خود به اروپا هم در همین مهمانخانه اقامت کرده و چون از وضع غذا و زندگی در این مهمانخانه راضی بود از شاه تقاضا کرد در مدت اقامت خود در پایتخت ایتالیا در همین مهمانخانه بسربرند.

صاحب هتل اکسلسیور از اینکه مشتریان معروف و ثروتمند و متشخص جدیدی بسراغ او آمده‌اند از شادی در پوست نمی‌گنجید، ولی نه او و نه هیچکس دیگر می‌توانست تصور کند که اقامت شاه ایران در اروپا بیش از دو روز به طول نخواهد انجامید و فقط پس از یک هفته قیام ملت ایران به طرفداری از شاهنشاه خود شاه را به وطن خویش باز

خواهد گرداند.

از ساعتی که شاه و ملکه ایران وارد هتل اکسلسیور رُم شدند عده کثیری از خبرنگاران آژانسها و مطبوعات دنیا در رُم محل اقامت خود را به این مهمانخانه انتقال دادند تا از نزدیک شاهد جریان باشند. شاه پس از استراحت مختصر و مصاحبه کوتاهی که با روزنامه نگاران بعمل آورد به اتفاق ملکه ثریا از هتل خارج شدند تا لوازم و حوائج ضروری زندگی خود را برای یک اقامت نسبتاً طولانی تهیه نمایند. زیرا با عجله‌ای که در مسافرت از ایران بکار برده بودند جز چند دست لباس چیزی همراه خود نداشتند.

عصر سه شنبه و صبح چهارشنبه ۲۸ مرداد شاه و ملکه ایران با اتومبیل یکی از تجار ایرانی در رُم به خرید قسمتی از وسائل مورد لزوم خود پرداختند، چند جفت کفش، کیف زنانه، چند عدد پیراهن و لباس دوخته از جمله خریدهای شاه و ملکه در رُم بود. شاه و ملکه مدتی هم در خیاطخانه «شوبرت» خیاط معروف ایتالیائی توقف کردند و ملکه ثریا چند دست لباس تازه برای خود سفارش داد. شوبرت در سفر قبلی ملکه ثریا به ایتالیا هم از روی یک مدل بدیع برای ملکه ایران لباس دوخت و نام آن مدل را هم «ثریا» گذاشت.

شاهنشاه و ملکه ایران پس از انجام خرید روزانه و مراجعه به خیاطی خسته و کوفته به هتل اکسلسیور مراجعت کردند، ولی هنوز دست به غذا نبرده بودند که در سالن نهارخوری غوغائی درگرفت و چند نفر خبرنگار بطرف میز شاه و ملکه ایران هجوم آوردند. در رأس این عده «اهرمان» خبرنگار آسوشیتدپرس بود که به محض رسیدن به کنار میز شاه و ملکه ایران فریاد زد: «مصدق سقوط کرد» و ورقه کاغذی را که خبر تلگرافی قیام ۲۸ مرداد و سقوط حکومت مصدق در روی آن نوشته شده بود به شاه ارائه داد.

شاهنشاه ایران چند بار خبر تلگرامی «آسوشیتدپرس» را خواند و با تعجب گفت: «آیا ممکن است چنین چیزی حقیقت داشته باشد؟» ملکه ثریا که تا این لحظه سعی می‌کرد نوشته روی کاغذ را در دست شاه بخواند پرسید مگر چه خبر شده است؟ شاه ایران خبر سقوط مصدق و قیام مردم تهران را به ملکه اطلاع داد و با شنیدن این خبر اشک شادی در چشمان ملکه زیبای ایران حلقه زد.

بدین ترتیب شاه و ملکه ایران از خبر قیام ۲۸ مرداد و سقوط حکومت مصدق اطلاع

یافتند و از این ساعت به بعد مرتباً اخبار و تلگرافات متعددی از تهران به دست شاه ایران رسید. خبرنگاران جرائد سالن مهمانخانه را اشغال کردند و شاهنشاه ایران در میان ازدحام بی سابقه‌ای به مطالعه آخرین اخبار تهران و صحبت با مخبرین جرائد و خبرگزاریها مشغول شد.

در تمام مدتیکه اعلیحضرت شاهنشاه ایران به مطالعه اخبار و مصاحبه با مخبرین جرائد مشغول بود، ملکه ثریا در اطاق خود استراحت می کرد، شوک عصبی که در نتیجه رسیدن اخبار تازه ایران بر ملکه ثریا وارد آمد با ناراحتی‌های چند هفته قبل دست بدست هم داده و ملکه را بیمار و بستری ساخته بود.

شاه پس از فراغت از گفتگو با مخبرین روزنامه‌ها به سراغ ملکه ثریا رفت و مقارن ساعت ۹ شب بود که شاهنشاه و ملکه ایران باتفاق یکدیگر از هتل اکسلسیور خارج شدند و با اتومبیلی که در برابر مهمانخانه انتظار آنها را می کشید به خیابان «کاسیا» مرکز معروفترین جواهرفروشی‌های رُم رفتند. شاه و ملکه در مقابل مغازه «معظم» بل فی دولا روز» پیاده شدند و شاهنشاه برای ملکه ثریا چند قطعه جواهرگرانیها و کم نظیر خریداری نمود. این جواهرات را شاه برای تسلی خاطر ملکه از ناراحتی‌های اخیر خریداری کرد.

صبح پنجشنبه تلگرافی از تهران رسید که طی آن ژنرال زاهدی نخست‌وزیر جدید از طرف دولت و ملت و ارتش تقاضای مراجعت فوری شاه را نموده بود، شاه بمحض وصول این تلگراف در صدد تهیه وسیله مراجعت به تهران برآمد، ولی در عین حال به فکر ملکه ثریا هم بود و معروفترین پزشکان رُم را برای معاینه و معالجه ایشان خبر کرد.

صبح تا غروب پنجشنبه خبرنگاران مطبوعات و خبرگزاریها مثل مور و ملخ به هتل اکسلسیور ریخته و همه می خواستند با شاهنشاه ایران ملاقات و مصاحبه کنند،



، هنگام مراجعت بایران مانند افراد عادی یکی از مغازه‌ها رفته و برای خود کفش خریداری مینمایند



«احمد ادريس يابسي» جوان مراکشی که پلیس ایتالیا نسبت به او مظنون شد و به جرم نقشه سوءفصد علیه جان اعلیحضرت شاهنشاه ایران توقیف شده است. این عکس و خبر مربوطه از روزنامه (المصری) چاپ قاهره گرفته شده است.

ولی شاه دیگر وقت زیادی نداشت و می‌بایستی با عجله خود را آمادهٔ مراجعت به تهران بکند. در جریان این روز موضوع دیگری هم جلب توجه مردم و پلیس ایتالیا را نمود و آن گردش و کنجکاوی یک جوان عرب مراکشی در اطراف هتل اکسلسیور بود. این جوان که ملبس به لباس اعراب مراکش بود به تازگی وارد رُم شده و می‌خواست بهر ترتیبی شده شاه و ملکه ایران را ببیند. این جوان هنگامیکه شاهنشاه ایران به اتفاق ملکه ثریا عازم فرودگاه رُم بودند به تعقیب شاه و ملکه پرداخت، ولی پلیس رُم که به حرکات او مظنون شده بود و احتمال می‌رفت سوءقصدی از طرف وی علیه شاه و ملکه ایران بعمل آید او را در مقابل مهمانخانه اکسلسیور توقف نمود. جوان مراکشی در بازجویی خود را «احمد ادريس يابسی» معرفی کرد و موضوع قصد ترور شاه و ملکه ایران را از طرف خود تکذیب نمود ولی سوءظن پلیس ایتالیا نسبت به وی رفع نشد و تا بازجویی کامل دستور بازداشت او صادر گردید.

ملکه ثریا اصرار داشتند همراه شاهنشاه ایران به تهران مراجعت کنند، ولی به توصیه پزشکان قرار شد دو هفته در رُم اقامت و استراحت کنند و در هفته جاری (یکشنبه یا سه‌شنبه) به تهران مراجعت نمایند.

در مدت دو هفته اقامت در رُم ملکه ثریا در مرکز توجه مطبوعات و افکار عمومی مردم ایتالیا بوده است. روزی نیست که در روزنامه‌ها و مجلات ایتالیا عکسها و اخبار تازه‌ای از ملکه ایران چاپ نشود و ملکه ثریا در این مدت به قدری در پایتخت ایتالیا شهرت یافت که هنگام گردش در خیابان همه ایشان را می‌شناختند و با فریادهای «زننده باد ملکه» برای ایشان ابراز احساسات می‌کردند.

مدت دو هفته مهمانخانه اکسلسیور رُم مرکز تجمع شخصیت‌های معروف ایتالیائی و خارجی گردید که همگی برای دیدار ملکه زیبای ایران خود را به هتل مزبور رسانیده بودند، یکی از آنها ملک فاروق پادشاه سابق مصر بود که در سالن هتل اکسلسیور می‌خواست با ملکه ثریا احوالپرسی کند، ولی ملکه ثریا به پادشاه مملوک مصر توجهی نکردند و این اقدام ملکه ایران جلب توجه همه را نمود.

در مدت اقامت ملکه ثریا در ایتالیا خانواده‌های معروف ایتالیائی مانند «روسپولی» و «کولونا» و «کرپسی» به افتخار ملکه ایران ضیافتها و مهمانیهای مفصلی ترتیب دادند

ولی تمام هوش و حواس ملکه ثریا متوجه ایران و اشتیاق بازگشت به تهران بود و مهمترین قسمت برنامه روزانه ملکه را مطالعه اخبار روزنامه‌ها راجع به ایران و استماع آخرین اخبار رادیو راجع به ایران تشکیل می‌داد.

فردای روز ورود شاه و ملکه ایران به رم بانو اوا اسفندیاری مادر ملکه ثریا هم وارد شد و در تمام مدت اقامت ملکه در پایتخت همراه ایشان بود. مادر ملکه ثریا علاوه بر اینکه در این مدت بهترین هم صحبت ایشان بود، مانند سدی هم در مقابل روزنامه‌نویس‌ها می‌ایستاد و نمی‌گذاشت آنها مزاحم ملکه بشوند و در عوض ملکه ایران به کلیه سؤالات خبرنگاران جراید پاسخ میداد.

ملکه ثریا در تمام مدت اقامت خود در رُم ارتباط تلفنی و تلگرافی روزنامه با تهران داشتند و علاوه بر مطالعه اخبار جرائد و استماع اخبار رادیوها راجع به اوضاع ایران مستقیماً هم از اعلیحضرت همایونی کسب خبر می‌نمودند.

پزشکان معالج ملکه ثریا توصیه کرده بودند که ملکه مدت بیشتری به استراحت خود در رُم ادامه دهند و حتی برای گردش به شهرهای بیلاقی «نیس» و کوت دازور بروند، ولی اشتیاق ملکه ثریا برای مراجعت به تهران از ادامه اقامت ایشان در اروپا جلوگیری کرد و علیاحضرت هفته گذشته به مخبرین جرائد اطلاع دادند که این هفته به تهران مراجعت خواهند نمود.



